

متصاعده، از ریزش جریان آب از چشم جلوگیری بعمل آورد. جوشانده ۵۰ تا ۱۵۰ در هزار سیوه زیره در استعمال خارج به صورت مالیدنی مصرف دارد.

در طب عوام، مخلوط روغن بادام و اسانس زیره را برای رفع دل پیچه، بروی شکم اطفال می مالند.

ازگرد زیره به عنوان ادویه و چاشنی، در تهیه برخی اغذیه مانند سوپ، راگو، نان، پنیر، نانهای قندی و غیره استفاده بعمل می آید.

استفاده از زیره در اغذیه به منظور جلوگیری از نفخ، مخصوصاً در اغذیه‌ای که حبوبات همراه داشته باشند، در غالب نواحی و همچنین در ایران معمول است.

اسانس زیره در تهیه صابون‌های عطری و در قنادی مصرف دارد.

از اسانس زیره ۲ نوع محلول ضد نفخ، یکی به نام آب زیره (Caraway water) و دیگری که اسانس بیشتری دارد و آب زیره کنسانتره (Concentrated caraway water) نامیده می شود تهیه می گردد (۱).

آب زیره کنسانتره (Concentrated Caraway water)

اسانس زیره	۲۰ میلی لیتر
الکل ۶۰ درجه	۶۰۰
آب به مقدار کافی تا	۱۰۰۰

ابتدا اسانس زیره را در الکل حل می کنند و سپس آب را به مقدار کم، در چند دفعه به آن می افزایند و در هر دفعه نیز محلول را به شدت تکان می دهند. پس از انجام این کار، مقدار ۵ گرم گرد تالک خالص و استریل یا ماده صاف کننده دیگر می افزایند و به مدت چند ساعت تکان می دهند و صاف می کنند.

مقدار مصرف آن، ۳. تا یک سیلی لیتر برای اشخاص بالغ است.

آب زیره

اگر به محلول کنسانتره مذکور، معادل ۳۹ برابر حجم آن، آب اضافه کنند، آب زیره به دست می آید.

آب زیره از نظر درمانی اثر ضد نفخ دارد و محلول مناسبی به عنوان حامل، برای در برگرفتن داروی کودکان می باشد.

1 - Pharmaceutical Codex, 11th edition, p. 135, (1979).

مقدار مصرف آب زیره، ۵.ر. تا ۲ میلی لیتر است.

۱- خیسانده ضد نفخ

دانه گشنیز	۱۵ گرم
» رازیانه	» ۱۵
» هویج	» ۱۵
» انیسون Pimpinella Anisum	» ۱۵
» زیره سیاه	» ۱۵
» شوید	» ۱۵
الکل ۳۰ درجه	۲ لیتر

مخلوط دانه (سیوه) گیاهان مذکور را باید به مدت ۴ روز در ۲ لیتر عرق یا الکل ۳۰ درجه به خیساند و سپس مقدار ۳۷۵ گرم قند به آن اضافه نمایند. مقدار مصرف آن از نظر درمان نفخ (گازهای روده بزرگ) و بلع هوا (aerophagic)، ۱۵ تا ۶ گرم در روز است.

۲- گرد ضد نفخ

دانه رازیانه	۱۵ گرم
» زیره سیاه	» ۱۵
» گشنیز	» ۱۵
» انیسون	» ۱۵

دانه (سیوه) گیاهان مذکور را باید به صورت گرد در آورده به مقدار یک قاشق چایخوری در مقدار کمی آب حل کرده، به خوبی هم بزنند و دو مرتبه در روز بعد از غذا مصرف نمایند. (Dorvault, p. 579, 1982).

به فرمول مذکور می توان بهمان مقدار ۱۵ گرم، زیره سبز و برگ خشک گیاهانی مانند بادرنجبویه و نعناع را اضافه نمود (مولف).

محل رویش: زیره در نواحی شمالی ایران: مازندران، جنگل کندوان در ارتفاعات ۲۸۰۰ تا ۳۳۰۰ متری، دره لار در ۲۴۰۰ متری، کجور، گیلان: رودبار، آذربایجان: زنجان. در نزدیکی تبریز، بین باسمنج ولیقوان، بین سرند و سوفیان در ارتفاعات ۱۷۰۰ متری، کوههای - سبلان، نزدیک کالیبار در ارتفاعات ۲۴۷۰ متری. همدان: کوه گری (Garri...)، جنوب - ایران، کرمان: کوه لاله زار در ارتفاعات ۳۰۰۰ متری، مرکز ایران، تهران، شاهرود - بسطام، قزوین، گچسار در ۸۰ کیلومتری شمال کرج و در ارتفاعات ۲۱۰۰ متری می روید.

Carum Bulbocastanum Koch.

Bunium Bulbocastanum L. ، Sium Bulbocastanum Sp.

فرانسه : Gland de terre ، Marron de terre ، Châtaigne de terre ، Terre noix

انگلیسی : Kippernut ، Tuberous caraway ، Pig - nut ، Earth chestnut ، Arnut

آلمانی : Terra noce ، Pancaciolo ، Säukastani ، Knollenkümmel

فارسی : زیره - عربی : آاکثار (Āākuthār) ، تلغوطه ، جوزارقم
گیاهی است علفی، پایا، بی کرک و دارای ریشه متورم به بزرگی یک فندق تا یک گردو که در مزارع غلات، اماکن بایر، چمنزارهای دامنه‌های کم ارتفاع کوهستانها، مخصوصاً اگر جنس زمین آهکی یا رستی - آهکی باشد می‌روید.

ساقه آن راست، به ارتفاع ۱۵ تا ۷۵ سانتیمتر و برگهای آن دارای بریدگیهای نازک و ظریف است. گل‌های به رنگ سفید و مجتمع به صورت چتر مرکب، فاقد یا شامل انولوکر دارد. میوه آن قهوه‌ای مایل به زرد می‌باشد.

ریشه متورم آن به قطر ۱ تا ۲ سانتیمتر و دارای طعمی کم و بیش مشابه شاه بلوط است. بریدگی برگهای آن نیز به پایه گیاه قبلی نمی‌رسد.

خواص درمانی - میوه معطر آن، بادشکن و دارای مصارفی شبیه زیره سیاه است ولی از نظر کیفیت به پایه آن نمی‌رسد. از آن برای معطر ساختن اغذیه نیز استفاده بعمل می‌آورند.

ریشه متورم آن، سابقاً به عنوان قابض در رفع اخلاط خونی بکار می‌رفته است. از برگ آن می‌توان برای مصارفی شبیه جعفری استفاده بعمل آورد.

ریشه متورم گیاه که تا عمق نسبتاً زیاد خالک نفوذ می‌کند، طعم شیرین و کمی معطر دارد و می‌توان از آن برای مصارف تغذیه استفاده کرد.

محل رویش - نواحی جنوبی ایران، بلوچستان (فلور ایران). وجود این گیاه در ایران در فلور ایرانیکا، ذکر نشده است.نوع سفید دیگر آن، **Carum incrassatum Boiss.** * است که در اسپانیا، باکار، مراکش، تونس و الجزیره می‌روید. ریشه متورمی به بزرگی یک سیب زمینی که حجم متوسطه داشته باشد، دارد. ظاهر آن کم‌ویش کروی، ناصاف و پوشیده از پوست سیاه رنگ است. دارای ۶۲٫۱۲ درصد مواد هیدروکربنه، ۱۳٫۴ درصد مواد چرب و ۷ درصد مواد ازته است.

آرد حاصل از ریشه خشک شده گیاه، ارزش غذایی زیاد دارد و حتی ارزش غذایی آنرا به‌عادل سیب زمینی می‌دانند. اعراب، آرد آنرا با آرد جو مخلوط نموده، نوعی نان قندی تهیه می‌نمایند.

Trachyspermum copticum (L.) Link.

Ammi copticum L. ، Carum copticum (L.) C.B. Clarke

Ligusticum Ajawain Roxb. ، Ptychotis Adjowan DC.

فرانسه : Ajowan ، Ammi des boutiques ، Sison ، Fenouil de Portugal ، Ammi

انگلیسی : Sison ، Ammi ، Ajawa seeds ، Lovage ، Bishop's weed ، Ammi

آلمانی : Ammeysamen ، Mohrenkümmel ، Herrenkümmel ، Ägyptischer Kümmel

عربی : انیسون ببری، نخوه، کمون حبشی

گیاهی است علفی، یکساله، بی کرک، به ارتفاع ۳۰ تا ۹۰ سانتیمتر که به‌حالت خودرو در نواحی شرقی هند، ایران و مصر می‌روید. بعلاوه در نواحی مذکور و نقاط مختلف دیگر پرورش می‌یابد. برگ‌های با پهنک منقسم به بریدگیهای نازک و ظریف و گل‌های به رنگ سفید و مجتمع به صورت چتر مرکب دارد. اشعه چتر آن کوتاه، دارای طول نسبتاً مساوی و منتهی به براکته‌های باریک در محل اتصال به یکدیگر است.

میوه‌اش کوچک، بیضوی، به رنگ قهوه‌ای مایل به زرد و دارای بوئی شبیه بوی تیمول است. بر روی میوه آن، ه خط طولی نخی شکل، به رنگ روشن‌تر و دو نوع تار نازک تک‌سلولی مشاهده می‌شود بطوری که بعضی از آنها کوتاه و مخروطی و برخی دیگر دارای یک قسمت متورم در انتها می‌باشند.

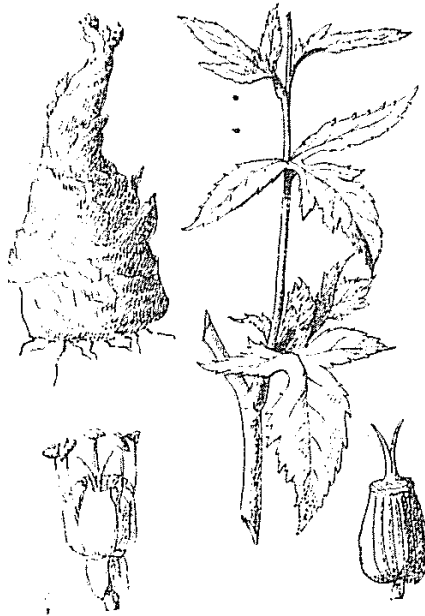
قسمت مورد استفاده این گیاه، میوه آن است که **زنیان** نیز نامیده می‌شود.**ترکیبات شیمیائی** - میوه این گیاه دارای اسانسی است که مقدار نسبی آن بر حسب محل رویش گیاه تفاوت می‌نماید مانند آنکه میوه گیاه پرورش یافته در هند، معادل ۳ تا ۴ درصد اسانس می‌دهد که آن هم محتوی ۵ تا ۱۰ درصد تیمول است در حالیکه از میوه گیاه متعلق به نواحی دیگر تا حد ۹ درصد اسانس بدست آمده است.اسانس مذکور که از میوه این گیاه تحت اثر بخار آب بدست می‌آید به اسانس **آژوان** (Ajowan oil) موسوم می‌باشد. مایعی با بوی معطر و بدون مخصوص بین ۹۱۰.۹ و ۹۳۰.۹ است. شامل ۳۵ تا ۵۰ درصد تیمول Thymol ، ۱۵ تا ۲۰ درصد **سیمین** cymène ، ۳ تا ۴ درصد **آلفا - پینن** α pinène ، **دیپانتن** dipentène ، **گاما - تروپن** γ terpinène و مواد دیگر مانند **کارواکرول** carvacrol (ایزومر تیمول) با مقادیر بسیار کم است (۱).

۱- کارواکرول، در سبخت تیمول شرح داده شده است.

برای سرور زمان، بلوریه‌های کوچکی با طعم نسبتاً سوزاننده از آن در ته ظرف رسوب می‌نماید. در یک تا ۲۵ برابر حجم خود، الکل ۸۰ درجه حل می‌شود.

خواص درمائی - سیوه این گیاه دارای اثر بادشکن و ضدتهوع است. برای آن اثر مقوی بام، ضد کرم و سدر نیز قائل‌اند.

از سیوه آن برای استخراج تیمول استفاده بعمل می‌آید.



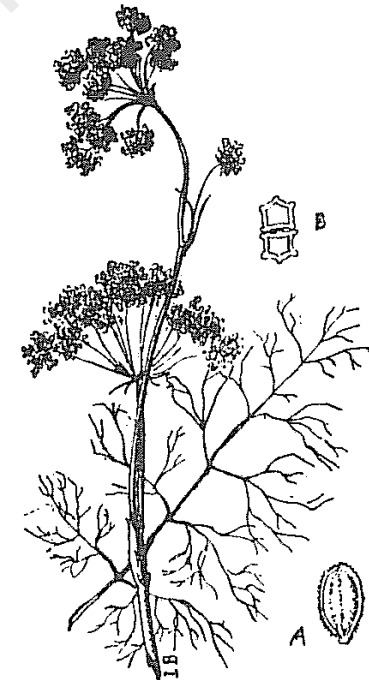
ش ۱۴۴ - *Arracacia xanthorrhiza* - شاخه برگ‌دار - برجستگی قاعده ساقه گل - سیوه جوان (Pl. Alim., I, D. Bois)

محل رویش - شرق ایران، بلوچستان (فلورایران)، آذربایجان، تبریز، اصفهان، خوزستان، بین ایزه و ده دز (Dehdez) در ارتفاعات ۱۰۰۰ متری. فارس، کرمان، باقین، مکران، خراسان، تربت حیدریه، سیستان.

***Arracacia xanthorrhiza* Banc** * - گیاهی به ارتفاع ۰.۶ متر تا یک متر و دارای ساقه‌ای است که در قاعده به یک برجستگی ضخیم، گوشت‌دار، منتهی به ۸-۱۰ غده ثانوی ختم می‌شود. وزن مجموع این غده‌ها، به ۳ کیلوگرم در یک گیاه نیز می‌رسد. رنگ آنها بر حسب

سیمن *Cymène*، هیدروکربوری به فرمول $C_{11}H_{14}O$ و به وزن ملکولی ۱۳۴٫۲۱ است. در اسانس گیاهان مختلف به شرح زیر نیز یافت می‌شود:

Umbelliferae	از تیره	<i>Carum copticum</i> Benth. et Hook.	-۱
—	—	<i>Cuminum Cyminum</i> L.	-۲
Labiatae	—	<i>Satureia hortensis</i> L.	-۳



ش ۱۴۳ - *Trachyspermum Copticum* : برگ و سرشاخه گل‌دار A = سیوه B = برش عرضی سیوه

سیمن، دارای ایزوسرهای مختلف (متا، پارا، اورتو) است. در هر سه صورت، حالت مایع و بوی مطبوع دارد. در آب حل نمی‌شود. دو نوع ایزوسر اول و دوم آن، در الکل و اتانول و ایزوسر سوم آن (اورتو)، در حلال‌های سواد آلی قابلیت اختلاط دارد. اسانس سیوه این گیاه، ظاهر بیرنگ یا مایل به قهوه‌ای و بوئی شبیه بوی تیمول دارد.

واریته‌های مختلف، ممکن است سفید، زرد یا بنفش باشد ولی در بین آنها فقط نوع زرد است که ارزش غذایی بیشتر دارد. این گیاه در نواحی مختلف آمریکای جنوبی می‌روید. درونزونا، کلمبیا و نواحی استوایی آمریکا بیشتر مورد توجه است. غده‌های این گیاه به‌حالت خام یا پخته‌شده در کوزه، یا به‌صورت آب پز و یا پخته شده با گوشت و غیره مصرف می‌شود.

Cuminum Cyminum L.

C. hispanicum Bunge. ، C. odorum Salisb.

فرانسه : Cumin ، Cumin officinal ، Faux anis ، Anis âcre انگلیسی : Gumin
آلمانی : Kreuzkümmel ، Mutterkümmel ، Romischer kümmel ، Cuminsamen
ایتالیایی : Cimino ، Comino ، Cimino dolce ، Comino domestico
فارسی : زیره سبز - عربی : کمون، سنوت (Sannût)

گیاهی کوچک، علفی، به‌ارتفاع ۱۰ تا ۵۰ سانتیمتر و دارای ریشه دراز، باریک، به رنگ سفید و ساقه‌ای راست و منشعب به تقسیمات دوتائی است. منشأ اولیه آن، ناحیه عیالی مصر و سواحل نیل بوده است ولی امروزه به‌حالت نیمه وحشی در منطقه وسیعی از مدیترانه، عربستان، ایران و نواحی مختلف می‌روید و یا در این نواحی پرورش می‌یابد. برگهای آن متناوب، شفاف، بی‌کرنک، منقسم به بریدگیهای بسیار نازک و ظریف ولی دراز و نخ‌شکل است. گلخانه‌ی کوچک، سفید یا صورتی رنگ و مجتمع به‌صورت چتر مرکب دارد. میوه آن بیضوی کشیده، باریک در دو انتها، بسیار معطر، به‌طول ۴ میلی‌متر، به‌قطر ۰٫۱ میلی‌متر و پوشیده از تارهای خشن است.

بعضی از واریته‌های این گیاه میوه‌های عاری از تار دارند.

پریکارپ میوه آن، تانن زیاد دارد و با تأثیر املاح آهن بر روی آن، رنگین می‌شود. رنگ میوه برحسب واریته‌های مختلف گیاه ممکن است زرد تیره یا خرمائی مایل به‌سبز و یا خاکستری باشد.

قسمت مورد استفاده این گیاه میوه آن است.

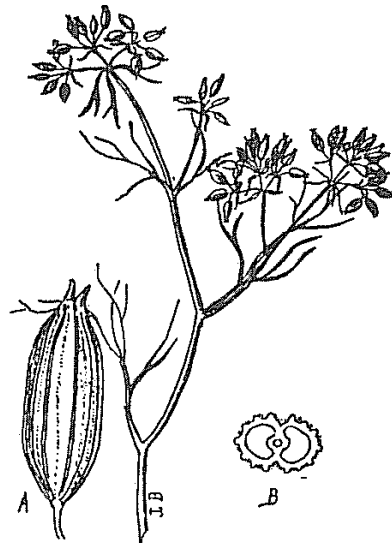
ترکیبات شیمیائی - میوه این گیاه دارای تانن، ۷ درصد روغن، ۱۳ درصد رزین، الورون و اسانسی معادل ۰٫۲ تا ۰٫۴ درصد است.

اسانس آن که از تقطیر میوه‌های له‌شده، تحت اثر بخار آب حاصل می‌شود، مایعی بیرنگ است ولی به‌سرور زمان، کمی زرد رنگ و تدریجاً قهوه‌ای می‌گردد و به‌علاوه حالت چسبنده

پیدا می‌کند. بوی آن بسیار قوی، تقریباً زننده و وزن مخصوص آن بین ۰٫۹۱ و ۰٫۹۳ است. در ۱۰ برابر حجم خود، الکل ۸۰ درجه ولی به‌مقادیر زیادتر در الکل‌های قوی‌تر حل می‌شود. در کلروفرم و اتر به‌مقادیر خیلی زیاد محلول است.

ماده اصلی تشکیل دهنده این اسانس، **الدئید کومینیک** ald. cuminique یا **کومینول** Guminol به فرمول $C_{11}H_{13}O$ است. مقدار این ماده به تناسب محل تولید اسانس و گیاه مولد آن، از ۳ تا ۵ درصد تغییر می‌نماید.

بوی مخصوص اسانس مذکور و میوه گیاه، مربوط به وجود کومینول در آن است (Planchon - Bretin, p. 1540).



ش ۱۴۵ - Cuminum cyminum - ساقه برگدار و میوه‌دار

A و B = میوه و برش عرضی آن

در اسانس زیره سبز، به‌علاوه مواد دیگری نظیر **سیمن** cymène ، **فلاندرن** phellandrene ، **کارون** carvone ، **الکل کومینیک** al. cuminique و ترکیباتی به‌مقادیر کم نیز یافت می‌شود (Dorvault, p. 413, 1982).

به این اسانس، گاهی اسانس **Carum nigrum** (نوعی زیره سیاه) که مقدار الکل کومینیک آن کم است، بطور تقلب افزوده می‌شود.

نگهداری اسانس زیره سبز باید دور از هوا و نور، در شیشه‌های کاملاً دربسته و مملو از آن صورت گیرد (Food Chem. Codex 1981).

خواص درمانی- زیره سبز دارای صفاتی شبیه زیره سیاه و انیس سبز است. در بیماریهای مختلف، به عنوان ضد تشنج، ضد صرع، مقوی معده، مدر، بادشکن، قاعده‌آور و معرق مصرف می‌شود.

زیره سبز در نزله‌های حاد و مزمن برونش‌ها، نفخ ناشی از سوء هضم، بلع هوا (Aerophagie)، رفع گازهای روده، رفع ترشحات مهبلی (ترشحات زنانگی) و قطع حالت قاعدگی در زنان جوان، اثرات مفید ظاهر می‌نماید.

از زیره سبز برای معطر ساختن نان، پنیر و همچنین تهیه بعضی از لیکورها استفاده بعمل می‌آورند.

در استعمال خارج، قراردادن ضماد آن بر روی پستان، دسوارد جمع شدن شیر در پستان، اثرات مفید ظاهر می‌کند.

در دامپزشکی با خوراندن زیره سبز به چهارپایان، تمایل جنسی را در انواع ماده آنها زیاد می‌کنند و به همین دلیل است که به گاو ماده و مادیان معمولاً آنرا می‌خورانند تا آمادگی بیشتر برای جفت‌گیری، در آنها فراهم شود.

صورت دارویی- مقادیر مصرفی و صور مختلف دارویی آن شبیه زیره سیاه است با این تفاوت که باید در نظر گرفته شود، اثری کمتری دارد. زیره سبز به صورت گرد و به مقدار ۲ گرم در روز و یا دم کرده ۲ تا ۴ گرم میوه و تنظور اثره مصرف می‌شود.

مقدار مصرف اسانس زیره سبز، ۱ تا ۴ قطره مخلوط در یک پوسیون برای اشخاص بالغ است.

محل رویش- زیره سبز در تبریز و نقاط دیگر پرورش می‌یابد. در خراسان: ۱۲ کیلومتری جنوب سبزوار در ارتفاعات ۸۸۰ متری، در ۸ کیلومتری شمال غربی علی‌آباد نزدیک اسفک (Asfak)، در ۱۰ کیلومتری مشهد به سمت سرخس در ناحیه‌ای به نام صالح‌آباد (نیمه‌خودرو) در ارتفاعات ۷۰۰ تا ۹۰۰ متری، مرکز ایران: اطراف تهران، بین تهران و سمنان در ناحیه‌ای به نام کیش لک Kishlok در ارتفاعات ۹۰۰ متری به حالت خودرو و نیمه‌خودرو، سمنان-دامغان: سرخه در ۱۱۰۰ متری می‌روید.

پرورش آن در غالب نواحی مساعد صورت می‌گیرد.

Daucus Carota L.

فرانسه: Carotte cultivée، انگلیسی: Carrot، آلمانی: Mohrrübe، ایتالیایی: Carota

فارسی: **هویج**، **زردک**، **گزر** (درگیلان) - عربی: جزر

هویج، گیاهی است که بر اثر پرورش‌های دانه‌داری که در طی قرون متمادی از آن بعمل آمده، به صورت نوعی متمایز از گیاه اصلی در آمده است. بعضی از دانشمندان گیاه‌شناس، گیاه فعلی را، دورگه‌ای از گیاه مذکور و گونه *D. maxima* L. ولی عده‌ای دیگر آنرا وارثه‌ای به نام *Var. sativa* از گیاه مذکور و یا گونه جداگانه‌ای به نام *D. sativa* Hoffm. ذکر می‌نمایند. برای برخی دیگر نیز، هویج یک وارثه پرورش یافته، از گونه اصلی مذکور است که بر اثر آمیزش بانژادها و دورگه‌های متفاوت و تحمل تغییراتی در طی زمان، به صورت گیاه فعلی در آمده است.

هویج پرورش یافته دارای فرمها، نژادها و دورگه‌هایی است که هر یک از نظر ضخامت ریشه، رنگ، مقدار درصد مواد غذایی و غیره بادیگری تفاوت دارد.

هر دو نوع هویج یعنی هم‌گونه وحشی و هم نمونه‌های پرورش یافته آن، اثر درمانی دارند با این تفاوت که نوع پرورش یافته، ریشه مفید و خوراکی نیز دارد.

هویج، گیاهی است علفی، دوساله، دارای ریشه راست، و ساقه بی‌کرنک یا پوشیده از تار که نوع پرورش یافته آن امروزه در غالب نواحی کره زمین زراعت می‌شود. برگهای آن متناوب، عاری از استیپول، منتهی به غلافی با نمو نسبتاً زیاد و پهنک منقسم به بریدگیهای باریک و نازک است. گلپهائی کوچک، سفید و مجتمع به صورت چتر مرکب دارد. از مشخصات آن این است که در قاعده اشعه چتر اصلی آن، انولوکری مرکب از براکت‌های باریک نخی شکل و منشعب دیده می‌شود. پایه‌های چترهای فرعی گل‌آذین نیز، براکت‌های کوچکتری (Bractéol) به صورت فوق دارد. کاسه‌گل آن کوچک و دارای حالت یک در میان با گلبرگهای جام‌گل است.

میوه‌اش مرکب از دو سربیکارپ پیوسته به هم و پوشیده از تارهای خشن و قلابی شکل می‌باشد.

قسمت مورد استفاده انواع وحشی و پرورش یافته هویج، ریشه و میوه آنهاست.

تورکیماات شیمیائی- هر ۱۰۰ گرم ریشه گیاه پرورش یافته دارای ۸۶ تا ۸۹ درصد آب، اسیدیته ۰.۴ ر. (برحسب اسیدسولفوریک)، مواد ازته ۱ تا ۱.۷۸ ر.، مواد چرب ۰.۲ ر. تا ۰.۸ ر.، گلوئیدها ۶ تا ۹.۳ ر.، سلولز ۱۴ تا ۱۶ ر.، خاکستر ۰.۹ تا ۱.۳ ر.، یک استرول، فسفاتیدها

(لسیتین)، مواد پکتیک ۱ تا ۳ درصد، یک ماده رنگی قابل تبلور از کاروتن ها یا پروویتامین A و دیاستازهای مختلف است.

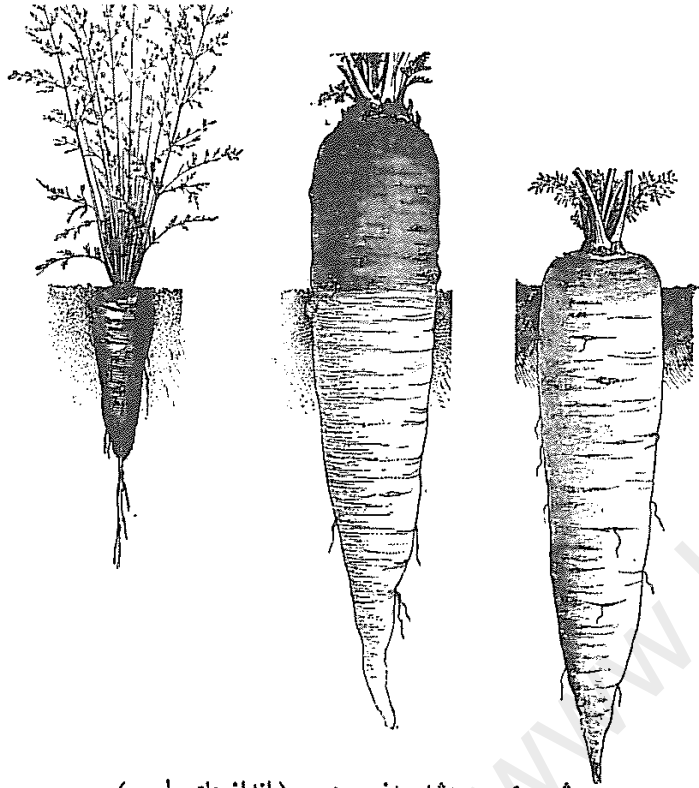
آزمایشهای جدید، وجود نوعی انسولین گیاهی با اثر کم کننده مقدار قند خون در آن مشخص داشته است.



ش ۱۴۶ - *Daucus carota*: سرشاخه گلدار و میوه دار (اندازه طبیعی - Baillon)

ریشه و میوه هویج دارای نوعی اسانس است. این اسانس که از تقطیر میوه و ریشه گیاه، تحت اثر بخار آب حاصل می شود، راندامانی بین ۰.۸ و ۱.۶ درصد دارد و شامل پینن، لیمونن و دوکول daucol است.

اسانس میوه هویج، رنگ زرد روشن تا زرد عنبری و بوی دلپذیر دارد و برای خوش-طعم کردن بعضی اغذیه بکار می رود.



ش ۱۴۷ - ریشه سه نوع هویج (اندازه های طبیعی)

دوکول Daucal، به فرمول $C_{15}H_{24}O_2$ و به وزن سلکولی ۲۳۸٫۳۶ است. از اسانس میوه جعفری به دست می آید (۱). فرمول نسبت آن در سال های بعد توسط Sykora (۲) و همکارانش تعیین گردیده است.

1 - Richter, Arch. Pharm. 247, 391 (1909).

2 - Sykora et al., Coll. Czech. Chem. Commun. 26, 788 (1961).

دوکول، به حالت خالص و بتیلور در اثر دوپتول، در گرمای ۳- درجه به دست می آید. در حرارت ۱۱۳- ۱۱۵ درجه نیز ذوب می شود.

ازگل آذین تازه گیاه نیز نوعی اسانس بایوی قوی، شبیه اسانس ریشه و میوه آن بدست می آید، این اسانس دارای مختصراختلافی از نظر بعضی صفات فیزیکی، با اسانس ریشه و میوه هوپج است.

دانه هوپج (میوه) ، دارای ماده ای به نام کاروتول Carotol به فرمول $C_{10}H_{14}O$ و به وزن ملکولی ۲۲۳۳۶ است. این ماده در سال ۱۹۲۵ توسط Tsukamoto و Asahina به دست آمده است.

خواص درمانی- نمونه های وحشی و پرورش یافته هوپج، اختصاصات مختلف درمانی بشرح زیر دارند :

هوپج وحشی: ریشه هوپج های وحشی اثر مilder دارد. جوشانده ۳ تا ۴ در هزار آن به مقدار ۳ فنجان در روز قبل از غذا، در رفع آب آوردن انساج مصرف می شود. میوه آن نیز دارای همین خاصیت ولی با اثر قوی تر است و از این جهت به صورت دم کرده ۱ تا ۱ گرم در سه فنجان آب برای مصرف یک روز بکار می رود.

مصرف میوه هوپج وحشی، برای علاج بیماری های مختلف مانند آب آوردن انساج ، قولنج های کلیوی ، هیستری و به عنوان مقوی معده، بادشکن، رفع نفخ و پادزهر سم مار توصیه شده است.

میوه هوپج (دانه) به طوری که بررسی گردیده دارای ترکیبی با اثر بازکننده مجرای شرایین قلب است. از این جهت در ردیف داروهای مفید در درمان آنژین صدری (Angor) قرار داده شده است (۱).

هوپج خوراکی- وجود ویتامین های A، B، C، D و مقادیر کم ویتامین E در ریشه هوپج پرورش یافته ، باعث گردیده که ریشه گیاه در ردیف بهترین ماده خوراکی و مفید برای بدن قرار گیرد. به علت وجود همین ویتامین هاست که مصارف عدیده در بیماری های ناشی از کمبود یا فقدان این مواد در بدن پیدا نموده است. بطوری که در رفع عوارض ناشی از کمبود ویتامین C در بدن، بی میلی جنسی، کم خونی زمان بلوغ و بطور کلی حالات ناشی از کمبود ویتامین های مذکور در افراد جوان و مسن می تواند مورد استفاده قرار گیرد.

چون بانگهداری ریشه هوپج به صورت کنسرو، ویتامین های آن از بین نمی رود از این جهت به صورت کنسرو نیز می توان در فصول مختلف سال از آن استفاده بعمل آورد. فقط هنگام

مصرف هوپج باید به این نکته توجه نمود که اگر پخته شود ، قسمتی از ویتامین C آن کاهش حاصل می کند.

تجارب مختلف نشان داده است که ریشه هوپج به علت سرشار بودن از ویتامینها ، اثر مفید در بالا بردن مقاومت بدن در مقابل بیماری های عفونی دارد. هرگز نباید برای تمیز کردن ریشه هوپج، قسمت خارجی آنرا جدا نمود بلکه باید قشر بیرونی ریشه، در زیر شیر آب، با جاقو به سلامت تراشیده شود.

باتوجه به خواص و وفور ویتامین های هوپج است که مصرف آن در آب آوردن انساج، عدم دفع ادراغ، تحریک و التهاب مجاری هضم و تنفسی ، سرفه های مقاوم، آسم، اخلاط خونی و حتی دفع کرم اطفال، مفید ذکر شده است. خاصیت اخیر هوپج بیشتر ارتباط به اسانس آن دارد. شیره هوپج به حالت خالص یا مخلوط در شیر، اثر خلط آور ظاهر می کند از این جهت در بیماری های سینه، آسم و گرفتگی صدا مفید واقع می شود.

— سوپ حاصل از چرخ کرده یک کیلو هوپج که به مدت ۲ ساعت در آب جوشیده باشد در رفع پیوست مؤثر است.

— برای کودکان شیرخوار که معده حساس دارند، سوپ صاف شده هوپج را که از پختن ۲ گرم آن در یک لیتر آب حاصل شده باشد، به نسبت مساوی ، در سه ماه اول با شیر مخلوط می کنند ولی در ماه های بعد، تدریجاً مخلوط ۲ قسمت شیر را با یک قسمت سوپ بکار می برند.

— دم کرده یک قاشق قهوه خوری دانه هوپج (میوه) برای هر فنجان آب جوش، اثر نیرو دهنده، اشتها آور، بدر، زیاد کننده ترشحات شیر و به طور خفیف، قاعده آور دارد.

— در استعمال خارج، اگر له شده ریشه هوپج بر روی زخم و اولسرها گذاشته شود، درد و ناراحتی تسکین می یابد و علاوه در بیماری های جلدی مختلف بطوریکه ذکر می شود اثرات مفید ظاهر می کند.

— جوشانده هوپج یا هوپج رنده شده یا ضماد برگ های تازه و له شده آن ویا لوسیون حاصل از برگ های تازه گیاه بر روی آبسه ها، موضع سرطانی پستان، زخم های تازه یا کهنه، اولسرها یا (اولسرها واریسی)، سوختگی ها، سوزا، زرد زخم ، کورک و دانه های جلدی جهت تسکین یا درمان بعضی از موارد مذکور، تأثیر مفید می نماید.

— جوشانده برگ هوپج به صورت غرغره در درمان Aphtes و آبسه مخاط دهان مؤثر واقع می شود. علاوه سرمازدگی و ترک خراش های پوست را درمان می کند.

— لوسیون حاصل از شیره هوپج برای تأمین طراوت پوست صورت و گردن (مشابه اثر خیار،

کاهو، توت فرنگی و غیره) می‌تواند مورد استفاده قرارگیرد زیرا باعث تأمین شادابی و تازگی پوست می‌شود.

— جهت تسریع دندان‌بندی اطفال می‌توان یک قطعه هویج باریک‌تر را برای دندان زدن به کودک داد.

طبق بررسی‌های L. Binet، هویج دارای استروژن‌ها Oestrogènes است که بر روی دستگاه جنسی زن، اثر هورمونی دارد.

بهداشت پوست:

هویج به علت دارا بودن مواد مختلف، در تغذیه سلول‌های بشره پوست و سلامت آن تأثیر بسیار مفید دارد. از این نظر در تهیه غالب فرآورده‌های بهداشتی مورد استفاده قرار می‌گیرد مانند آنکه نوعی Baum مرکب از عصاره روغنی هویج، روغن آفتاب‌گردان، روغن جوانه گندم و روغن فندق تهیه می‌شود که برای منظور فوق و تأمین سلامت پوست و طراوت بشره، به پوست ناحیه اطراف چشم، پلک‌ها و بناگوش می‌مالند.

آب هویج اگر به پوست صورت اثر داده شود، باعث روشن شدن و جلای پوست صورت می‌گردد و همچنین برخی عوارض عادی پوست چرب را از بین می‌برد (Yves Rocher p. 71).

صورت‌اروئی - شیره ریشه تازه هویج به مقدار ۳ تا ۱۰۰ گرم به صورت خالص یا رقیق شده در آب در ۲ یا ۳ مرتبه در روز و شیره پخته و تغلیظ شده آن، بطوری که بر اثر جوشیدن به غلظت عسل درآید، به عنوان مدره، جهت رفع ناراحتی‌های سینه و همچنین دفع کرم اطفال توصیه شده است.

شربت هویج که از مخلوط کردن یک قسمت شیره تازه ریشه، ۲ قسمت آب و ۱ قسمت قند تهیه می‌شود، به مقدار ۳ تا ۱۰۰ گرم در روز می‌تواند مورد مصرف قرارگیرد. جوشانده ۳ در هزار ریشه آن به مقدار یک فنجان قبل از هر غذا و دم کرده یا جوشانده ۳ تا ۵ در هزار سیوه آن به مقدار یک فنجان بعد از هر غذا، از صور دیگر مصرف ریشه و سیوه هویج است.

پرورش فرمها و نژادهای مختلف هویج در نواحی مختلف ایران معمول است.

در فلورا ایرانیکا، دو گونه فرعی از این گیاه به نامهای subsp. maximus Ball. و

subsp. carota در نواحی مختلف ایران ذکر شده است.

Ammodaucus leucorticus Coss. et Durieu * گیاهی یکساله است. در

واحه‌های صحرا و در سودان پرورش می‌یابد. سیوه پوشیده از تارهای خشن و بسیار معطر دارد و از آن برای معطر ساختن اغذیه و بعنوان چاشنی استفاده می‌گردد.



ش ۱۴۸ - *Ammodaucus leucorticus*: سرشاخه برگدار و سیوه‌دار

A - سیوه، سیوه در حال جداسازی

Anethum graveolens L.

Peucedanum graveolens Benth. et Hook. ، *Selinum anethum* Roth.

فرانسسه: Dill ؛ Aneth odorant ، Aneth ، Faux - Anis ، Fénoüil puant انگلیسی: Dill

آلمانی: Dill ؛ Dillenkraut ایتالیائی: Aneto odoroso ، Aneto fetido ، Finocchio

فارسی: شویله، شبت - عربی: سزاب‌البر

گیاهی یکساله به ارتفاع ۳۰ سانتیمتر تا یک‌متر و دارای ریشه راست، مخروطی شکل

و به رنگ سفید است. در ایران، قفقاز، حبشه، مصر، اروپای جنوبی و نواحی مختلف دیگر به حالت وحشی می‌روید بعلاوه پیوسته پرورش می‌یابد.

ساقه آن استوانه‌ای بی‌کرنک، دارای خطوط طولی، و در محل گره‌ها کمی فرورفته است. برگهای متناوب، بی‌کرنک، بایهنگ متقسم به بریدگیهای نازک و نخی شکل و گلهائی کوچک و به رنگ زرد دارد. از مشخصات آن این است که در پایه چتر اصلی و چترهای فرعی آن، انولوکر و انولوسل دیده نمی‌شود.

میوه‌اش بیضوی، مسطح، به طول ۳ تا ۴ میلیمتر، به عرض ۳ میلیمتر و به رنگ قهوه‌ای شکلاتی روشن است. در سطح آن برجستگیهای نخی شکل به رنگ مایل به زرد و در کناره‌های آن، لبه بال مانند به رنگ زرد روشن دیده می‌شود.

گل‌های ریزو زرد رنگ شوید با آنکه نوش کم تولید می‌کنند معهداً کم و بیش مورد بازدید زنبور عسل قرار می‌گیرند.

قسمت مورد استفاده شوید، میوه و برگ آن است.

ترکیبات شیمیائی - میوه شوید دارای ۳ تا ۴ درصد اسانس است که بر اثر تقطیر با بخار آب از آن حاصل می‌شود.

اسانس شوید، مایعی است بیرنگ یا به رنگ زرد روشن که در حلالهای عمومی - اسانس‌ها حل می‌گردد. اگر اسید سولفوریک بدان افزوده شود، رنگ زرد کدر پیدا می‌کند ولی با وارد کردن الکل، صاف می‌شود و رنگ دارچینی ظاهر می‌سازد. وزن مخصوص این اسانس بین ۰.۹۰۰ و ۰.۹۱۵ است. در آب حل نمی‌شود ولی در هم‌حجم خود الکل ۹۰ درجه محلول است.

اسانس شوید دارای لیمونن راست، فلاندرن، ۴ تا ۶ درصد کاروون راست Carvone شبیه اسانس زیره سیاه و به مقدار بسیار جزئی از نوعی پارافین جامد است.

اسانس شوید هند از میوه نیمکوب *Anethum sowa* Roxb* بر اثر تقطیر با بخار آب به دست می‌آید. رنگ آن، زرد روشن تا قهوه‌ای و بوی آن نسبتاً تند و مشابه بوی زیره است. در روغن‌های ثابت حل می‌شود و محلول کم و بیش کدر ایجاد می‌نماید. در گلیسرین عملاً غیر محلول است.

این اسانس نباید دارای کمتر از ۲ درصد و بیشتر از ۳ درصد (از نظر حجمی)، از ستن‌ها و کاروون (Carvone) باشد. وزن مخصوص آن بین ۰.۹۲۵ تا ۰.۹۸۰ است^(۱).

۱- در فلورا ایرانیکا، *Anethum sowa* Roxb، بصورت سینونیم گیاه اصلی وارد شده است.

از این اسانس برای معطر و مطبوع ساختن طعم بعضی اغذیه استفاده می‌شود. در امریکا نیز از گیاه اصلی یعنی *A. graveolens*، نوعی اسانس به رنگ زرد روشن و به وزن مخصوص بین ۰.۸۸۴ و ۰.۹۰۰ تهیه می‌شود که مقدار درصد ستن‌ها و کاروون آن زیادتر است (۱).



ش ۱۴۹ - *Anethum graveolens*: ۱ و ۲ - قسمتهای مختلف گیاه کامل (به اندازه های طبیعی) ۳ و ۴ - گل و میوه (در زیر ذره بین)

اسانس شوید باید درشیشه‌های کاملاً در بسته، درمحل خنک و دور از نور و روشنایی نگهداری گردد.

خواص درمانی - میوه شویددارای اثر درمانی مشابه رازیانه، انیس‌سبز و زیره سیاه است. اثر نیرو دهنده، مقوی معده، هضم کننده غذا، بادشکن، بدر، ضد تشنج، رفع استفراغ، آرام کننده و زیاد کننده ترشحات شیر دارد.

در استعمال خارج، اثر نرم کننده و التیام دهنده دارد ولی بیشتر در مصارف داخلی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

دم کرده شوید، اثر تسکین درد معده، رفع استفراغ، آرام کننده دل پیچه‌های اطفال، رفع سسکه و غیره دارد و علاوه در مواقع عدم دفع ادرار، کم شدن شیر زنان شیرده، نوزله‌های ششی، بیخوابی و غیره بکار می‌رود و اثرات مفید ظاهر می‌کند. مصرف آن در ازدیاد شیر، اثر قطعی دارد.

اسانس میوه شوید در فرمول تهیه بعضی از فرآورده‌های ضد نفخ کودکان شیرخوار وارد می‌شود.

در **دامپزشکی** از میوه آن برای رفع نفخ و دردهای ناشی از آن به مقدار ۳ گرم برای چهار پایانی مانند بز و گوسفند و به مقدار ۶ گرم برای حیوانات بزرگتر و داسها استفاده بعمل می‌آورند.

از برگ شوید به عنوان چاشنی و معطر ساختن اغذیه استفاده بعمل می‌آید. میوه آن نیز به همین منظور به کار می‌رود.

صورت دارویی - دم کرده ۴ تا ۸ در هزار میوه (دانه) به مقدار ۲ تا ۳ فنجان در روز بعد از هر غذا - گرد میوه به مقدار ۲ تا ۳ گرم در روز - اسانس شوید به مقدار ۲ گرم تا یک گرم بر روی یک حبه قند یا مخلوط در یک تیزان (دم کرده ...) - آبمقطر شوید (میوه)، به مقدار ۵-۱۰ گرم در شبانه روز.

در استعمال خارج، جوشانده‌های ۵ تا ۱۰ در هزار برگ و سرشاخه گلدار گیاه برای تهیه لوسیون بکار می‌رود.

محل رویش - شوید علاوه بر آنکه در غالب نقاط ایران پرورش می‌یابد، در نواحی مختلف ایران مانند سائین قلعه، تبریز، خراسان، اترک بین شیروان و بجنورد، تفرش و غیره، به حالت خودرو و نیمه خودرو نیز یافت می‌شود.

Petroselinum crispum (Mill.) A. W. Hill.

P. sativum Hoffm. ، P. hortense Hoffm.

P. anaticum F. & Sent. ، Apium peroselinum L.

فرانسه : Persil ، Persil odorant ، Persil vulgaire ، Persil des jardins ، Persil ؛
انگلیسی : Parsley ، Percile ، Parsley ؛ آلمانی : Petersilie ، Kräutcl ، Gartenepich ، Appich ؛
ایتالیائی : Petroselino ، Prezzemolo petrosello ، Petroselino ؛ عربی : مقدونس رومی ؛
فارسی : **جعفری**

گیاهی دوساله به ارتفاع ۳۰ سانتیمتر و دارای ریشه راست، دوکی شکل یا متورم (برحسب نژادهای مختلف) و به رنگ سبز یا زرد است. به حالت وحشی در اکثر نواحی جنوب شرقی اروپا، شمال آفریقا، آسیا و ایران می‌روید و علاوه در نواحی مختلف پرورش می‌یابد.

برگهای جعفری، شفاف، به رنگ سبز تیره، دارای بریدگیهای لوزی یا مثلث شکل با تقسیمات فرعی است. برگهای قسمت فوقانی ساقه آن، منقسم به قطعات باریک و نواریمانند، بسا ظاهری متفاوت از برگهای تحتانی می‌باشد. گلهاهی کوچک مایل به سبز و مجتمع به صورت چتر مرکب دارد. در قاعده اشعه چترهای اصلی و فرعی آن، زائده‌های باریک و غیر منقسم دیده می‌شود.

میوه آن کوچک، به درازای ۲ میلیمتر، به قطر یک میلیمتر یا کمی بیشتر، به رنگ سبز و دارای بو و طعم بسیار معطر است.

قسمت مورد استفاده جعفری، ریشه، میوه و ساقه‌های جوان برگدار آن است.

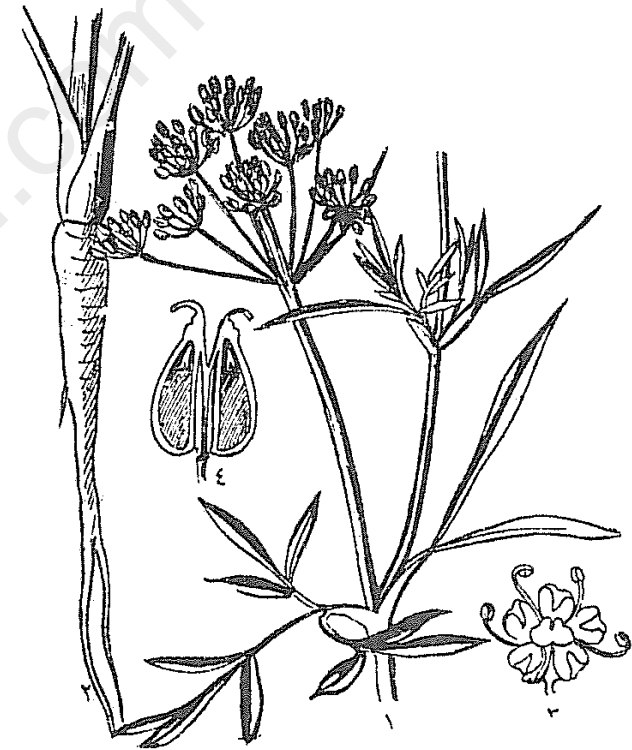
ترکیبات شیمیائی - میوه این گیاه دارای مواد روغنی، آلورون، تانن، یک ماده ملون به رنگ زرد، یک گلوکزید سمی به نام آپین اپین apinine و اسانس است. اسانس آن که از گرد میوه جعفری به وسیله تأثیر بخار آب بدست می‌آید، مایعی بیرنگ، لوزیر به وزن مخصوص ۰.۵ تا ۰.۱۱ (برحسب منشاء گیاه)، محلول در روغن و اسانس‌ها است و اگر تحت اثر سولفات آهن قرار گیرد، به رنگ قرمز خونی در می‌آید.

بوی آن معطر و شامل آپینول apiol ، میریستیسین myristicine ، به مقدار کم از اتراکسیدها، فنل‌ها، اسید پالمیتیک، الئیدها و ستن هاست.

گلوکزید مذکور که آپینوزید apioside نیز نامیده می‌شود، اگر بطور ساده تجزیه گردد، ماده‌ای به نام آپین ژنین apigenine و نوعی قند به نام آپینوز apiose می‌دهد. میوه

(دانه) رسیده جعفری دارای نوعی ماده اسیدی به نام اسید پتروسه‌لینیک Ac. pétrosélinique نیز می‌باشد.

ریشه جعفری دارای ۰.۵ تا ۰.۸ درصد اسانس، سواد قندی و ۰ درصد سواد معدنی است. در ریشه جعفری به طوریکه بررسی گردیده، مشتقات پلی استیلنیک (polyacétylénique)



ش ۱۵۰ - Petroselinum crispum : ۱- سرشاخه گلدار ۲- ریشه ۳- و ۴- گل و برش میوه (۱ و ۲ به اندازه‌های طبیعی)

سمی مانند بعضی چتریان آبرزی و سمی وجود دارد ولی خوشبختانه مقدار آن بسیار جزئی است (۱). بوی ریشه جعفری، معطر و طعم آن کم و بیش شبیه قسمت‌های هوایی گیاه است. از ساقه برگدار و بطور کلی از تمام قسمت‌های جعفری باستانی ریشه آن نیز اسانسی

1 - Prof. Delaveau, Actualité pharmaceutique, N. 196, Février 1983.

بر اثر تقطیر با بخار آب به نام Parsley herb oil به دست می‌آورند. قسمت هوایی و علفی گیاه ممکن است دارای میوه‌های نارس نیز باشد.

این اسانس، مایعی به رنگ زرد تا قهوه‌ای روشن و دارای بوی جعفری است. در غالب روغن‌ها و همچنین در گلیسرین حل می‌شود. وزن مخصوص آن کمتر از اسانس دانه جعفری و بین ۰.۹۰۸-۰.۹۴۰ می‌باشد.

این اسانس و اسانس دانه جعفری باید در ظروف کاملاً دربسته، در جای سرد و دور از نور نگهداری شوند.

اسانس جعفری برای معطر و مطبوع ساختن طعم بعضی غذایه مورد استفاده قرار می‌گیرد (Food Chem. Codex, p. 212, 1981).

آپیول (parsley camphor) Apiol ، به فرمول $C_{17}H_{14}O_2$ و به وزن ملکولی ۲۲۲٫۲۳ است. در اسانس میوه جعفری وجود دارد و از آن استخراج شده (۱)، سنتز آن نیز توسط Baker و Savage ، انجام گرفته است (۲).

آپیول، به طور ضعیف بوی جعفری می‌دهد. مایعی است روغنی، به رنگ زرد یا زرد-مایل به سبز و حتی سبزرنگ که به طور کامل در الکل ۹۰ درجه و اتر حل می‌شود ولی در آب غیر محلول است. وزن مخصوص آن در گرمای ۱۰، بین ۱٫۱۲۵ و ۱٫۱۳۵ می‌باشد. به طور ضعیف نیز دکستروژیر (+۵°) است (Dorvault, p. 124, 1982).

تحت نام آپیول، ۳ نوع ماده دارویی با ترکیبات متفاوت وجود دارد.

۱- آپیول تقطیری یا *Apiol distillé* که در واقع اسانس میوه جعفری است و قسمت اعظم آن نیز از آپیول و آپیئین تشکیل می‌یابد.
۲- آپیول سبز *Apiol vert* ، عصاره الکلی میوه جعفری است که با اتر استخراج شده است.

۳- آپیول متبلور *Apiol cristallisé* یا *Camphre de persil* (Parsley camphor) و یا آپیول آلمان.

مشخصات آپیول متبلور، در کدکس ۱۹۰۸ چنین ذکر گردیده که باید به صورت بلورهای سوزنی شکل ظریف، سفیدرنگ، درخشانده، بایوی جعفری، غیر محلول در آب ولی محلول در الکل، اتر، کلروفرم، بنزن، استن، اسانس‌ها و روغن‌های ثابت باشد. در گرمای ۳۰ درجه ذوب شود و در حرارت ۲۹۴ درجه به جوش آید.

1 - Blanchet, Sell. Ann. 6. 259 (1833).

2 - Baker, Savage, J. Chem. Soc. (1938) 1602.

در کدکس ۱۹۲۰، توضیح آپیول متیلور خالص، حذف گردید ولی مجدداً در کدکس ۱۹۳۷، تحت نام عصاره الکلی، نوعی آپیول افی سینال، به صورت مایعی روغنی، به رنگ زرد یا زرد مایل به سبز... که در فوق شرح داده شد وارد گردیده است (۱).

اسید پتروسه‌لینیک (petroselic acid) Acide pétrosélinique، به فرمول $C_{18}H_{34}O_2$ و به وزن ملکولی ۲۸۲٫۴۵ می‌باشد. از اسانس سیوه جعفری نیز استخراج می‌شود (۲). این اسید در ریشه گیاه دیگری به نام *Peucedanum sativum Benth. Hook. f.* نیز یافت می‌شود.

اسید پتروسه‌لینیک، به صورت ورقه‌های نازک در اتر دیپترول به دست می‌آید و در گرمای ۲۹۰-۳۰۱ ذوب می‌شود.

ماده روغنی سیوه جعفری، به مقدار ۱۵ تا ۲ درصد در آن وجود دارد و پس از استخراج، دارای حالت روان و رنگ قهوه‌ای مایل به قرمز تا قهوه‌ای مایل به سبز است. در گرمای حدود ۱۵۰- درجه انجماد حاصل می‌کند. وزن مخصوص آن در گرمای ۱۵ درجه معادل ۰٫۹۲۴، اندیس انکسار آن در گرمای ۴۰ درجه بین ۱٫۴۷۷۸ و ۱٫۴۸۰۰، اندیس صابونی آن بین ۱۷۶ و ۱۷۷ و اندیس ید آن ۱۰۹۰ است. قسمت اعظم اسیدهای چرب آنرا (معادل ۷۶ درصد) نیز اسید پتروسه‌لینیک تشکیل می‌دهد (Mensier, p. 443).

خواص درمانی - اعضای مختلف جعفری مانند ریشه، سیوه و شاخه‌های برگدار آن دارای اختصاصات درمانی به شرح زیر است:

ریشه جعفری، اثر مدر و اشته‌آور دارد. جوشانده ریشه و بطور کلی تمام قسمت‌های گیاه، در مواد آب آوردن انساج، خیز عمومی بدن، سنگ کلیه، اختلالات دستگاه هضم، نفخ، زردی، بیماری‌های کبد و طحال، تنگی نفس، ترشحات سهیلی (زنانگی)، قطع حالت قاعدگی در زنان جوان ناشی از ضعف، بیماری‌های جلدی و همچنین قاعدگی‌های دردناک بکار می‌رود. مصرف آن در سرخک باعث می‌گردد که ظاهر شدن دانه‌ها به وضع سهلتر صورت گیرد.

۱- در Martindale (Extrapharmacopoeia سال ۱۹۸۲)، آپیول به اختصار، اسانسی به رنگ سبز با بوی مخصوص و طعمی ناپسند معرفی گردید که تحت اثر الکل از سیوه جعفری به دست می‌آید. در آب غیر محلول ولی در اتر و الکل حل می‌شود. در Merck Index (سال ۱۹۷۶ - آخرین چاپ)، آپیول به صورت ماده‌ای متیلور، با بوی جعفری و تقریباً مشابه توضیح کدکس ۱۹۰۸ شرح داده شده است. نقطه ذوب آن ۲۹۰ و نقطه جوش آن ۲۹۴ ذکر گردیده است.

2 - Fore et al., J. Am. oil Chem. Soc. 37, 490 (1960).

سیوه جعفری (دانه)، صفات درمانی شبیه ریشه آن دارد. بعلاوه اثر آن در رفع تب‌های نوبه و باز شدن قاعدگی، قطعی است.

در استعمال خارج، له شده گیاه در رفع انسداد مجاری شیر و تجمع آن در پستان، ضربه خوردگی و خون‌سردگی، با قرار دادن بروی عضو اثر مفید ظاهر می‌نماید.

آپیول، اثر قاعده‌آور و تب‌بر دارد.

باید توجه داشت که آپیول ماده‌ای است سمی و مصرف آن منحصرأ با اجازه پزشک متخصص باید صورت گیرد.

درباره جعفری ذکر این نکته لازم است که این گیاه به همان اندازه که مورد توجه حیواناتی مانند خرگوش و گوسفند است و می‌تواند مورد استفاده آنها قرار گیرد، پایه‌های دانه‌دار آن ممکن است برای پرندگانمانند مرغ، طوطی و غیره ایجاد مسمومیت نماید.

صور دارویی - جوشانده ۱۵ تا ۶ در هزار ریشه یا گیاه کامل به عنوان مدر - شیره تازه گیاه به مقدار ۱۰۰ تا ۱۰۵ گرم (دارای اثر مشابه آپیول) - گرد برگ جعفری به مقدار ۲ گرم در روز - جوشانده ۵ تا ۱۰ گرم سیوه (دانه) در ۲۰۰ گرم آب به عنوان مدر و ۳۰ گرم آن در ۲۰ گرم آب به عنوان قاعده‌آور.

در استعمال خارج از جعفری به صور مختلف زیر استفاده به عمل می‌آید:

۱- جوشانده مقدار ۱۰۰ گرم دانه (سیوه) جعفری در یک لیتر آب به صورت تزریقات سهیلی جهت درمان ترشحات زنانگی (Leucorrhée).

۲- مخلوط مساوی شیره جعفری با الکل ۷۰ درجه، جهت تسکین دردهای عصبی. برای این کار انگشت آغشته به محلول فوق را در مسیر عصب حرکت می‌دهند تا محلول به آنجا مالیده شود. در موارد درد دندان و لثه‌ها، محلول را بروی لثه و گونه‌ها به ملایمت اثر می‌دهند. شیشه محتوی محلول مذکور باید همیشه به حالت در بسته در محلی محفوظ نگاهداشته شود.

۳- جهت رفع لکه‌های صورت و دانه‌ها و جوش، شیره جعفری و یا دم کرده آنرا به پوست صورت می‌مالند.

۴- با جوشانده حاصل از یک مشت جعفری در نیم لیتر آب (مدت جوشاندن ۵ دقیقه)، اگر صورت را هنگام صبح و یا شب، به مدت یک هفته بشویند، رنگ پوست صورت نسبتاً روشن می‌شود.

۵- دم کرده ۱۰ تا ۱۵ در هزار جعفری در آب، به صورت کمپرس سرد در پوست صورت اثر مقوی ظاهر می‌کند. به این دم کرده اگر کمی آب لیموی تازه اضافه شود، از پیشرفت لکه‌های صورت که در زمان بارداری بوجود می‌آید جلوگیری می‌نماید.

آپیول، در موارد تأخیر و قطع حالت قاعدگی زنان جوان و اشکال وقوع آن که غالباً با درد همراه است، به مقدار ۰.۳ گرم به صورت کپسول، صبح و عصر بکار می‌رود. آپیول اثر ضد تب دارد.

جعفری از سبزی‌های مفیدی است که مورد توجه همه مردم است. بعضی از نژادهای پرورش یافته آن که برگهای چین‌خورده و موج‌دار دارند، مقدار کمتری از مواد مؤثره را دارا می‌باشند.

جعفری از سبزی‌های بسیار مفید، دارای ویتامین‌های A، B و C، عناصر معدنی مختلف منجمله آهن است. به مصارف فراوان در تهیه اغذیه می‌رسد و از این نظر در غالب نواحی پرورش می‌یابد.

جعفری به حالت خودرو و نیمه خودرو و نیز در نواحی مختلف یافت می‌شود.

* *Myrrhis odorata* Scop.

Scandix odorata L. ، *Chaerophyllum odoratum* Crantz.

فرانسه : *Cerfeuil anisé* ، *Myrrhe odorante* ، *Cerfeuil musqué* ؛

انگلیسی : *Sweet fern* ، *Sweet cicely* ، آلمانی : *Spanische süßholde* ؛

ایتالیائی : *Felce muschiata* ، *Finocchiella* ، عربی: میرا (Mirrà) ، مرس

گیاهی چند ساله، دارای ساقه‌ای شیاردار و به ارتفاع متجاوز از یک متر است. در دامنه‌های آلپ، پیرنه و زورا پراکندگی دارد. سهولت نیز در نواحی محل رویش، به حالت انبوه درمی‌آید. از برگ و میوه آن، اگر در بین انگشتان فشرده شوند، بوی قوی مشابه بوی انیس استشمام می‌گردد. در کوهستانها، تا ارتفاعات ۱۲۰۰ متری بالا می‌رود. در دشت‌ها، جنگلهای غیر انبوه، نواحی سنگلاخی و مرطوب، مخصوصاً اگر جنس زمین آهکی باشد به سهولت رشد می‌کند. در فاصله تیر و سردادگل می‌دهد. در باغچه‌ها بعنوان زینت کاشته می‌شود ضمناً از اختصاصات آن اینست که با پراکنده شدن میوه گیاه، سهولت از محیط کشت دور می‌شود و حالت بومی پیدا می‌کند.

این گیاه، برگهای منقسم به قطعات نوک تیز و دنداندار و گل آذین چتر مرکب، با شعله نابرابر دارد. میوه اش باریک، دراز و به طول ۲ تا ۳ سانتیمتر است.

تاقرون وسطی، مورد شناسائی مردم نبوده است بطوریکه اختصاصات آن از اواخر قرن شانزدهم میلادی در کتب علمی وارد گردیده است.

خواص درمانی- از اعضای این گیاه به علت دارا بودن بوی قوی، برای معطر ساختن اغذیه استفاده بعمل می‌آید. ریشه یا شیره آن، همچنین میوه گیاه در طب عوام به مصارف درمانی می‌رسد و از آنها برای درمان بیماری‌های مختلف استفاده بعمل می‌آید مانند آنکه از آنها برای رفع درد گلو، بیماریهای سینه و کمی دفع ادرار استفاده می‌شود. خیسانده آن در الکحل، بهترین مقوی معده است.

برای تمام قسمت‌های گیاه اثر تصفیه کننده خون قائل اند. مبتلایان به آسم، آنرا به منظور تسکین ناراحتی‌ها، به صورت سیگار دود می‌کنند و چنین معتقدند که اثر مسکن و خلط آور دارد.

در استعمال خارج، له شده آنرا به قسمتهای تورم یافته اعضای بدن، در مبتلایان به بیماری نقرس اثر می‌دهند. مصرف آن در گاو باعث ازدیاد شیر حیوان می‌شود و به همین علت است که میوه رسیده را در بعضی چراگاههای طبیعی پخش می‌کنند تا به مصرف تغذیه دامها برسد (۱).

در ایران نمی‌روید.

Anthriscus Cerefolium (L.) Hoffm.

Scandix cerefolium L. ، *Chaerophyllum sativum* Lam.

فرانسه : *Cerfeuil* ، *C. cultivé* ، *C. officinale* ، *C. commun* ، *Cerfeuil des jardins* ؛

انگلیسی : *Garden chervil* آلمانی : *Kerbelkraut* ایتالیائی : *Cerfoglio* ؛

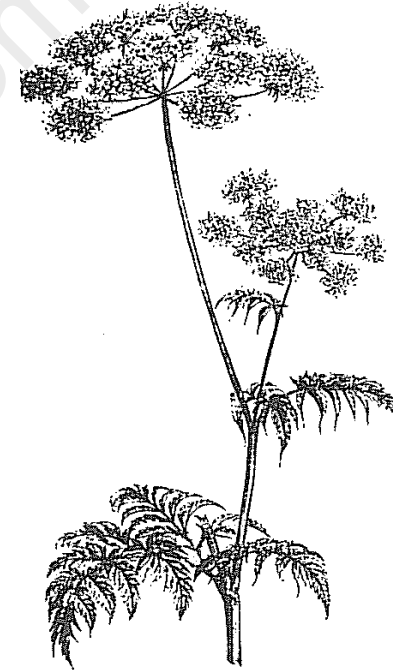
گیاهی یکساله و دارای ساقه‌ای به ارتفاع ۳ تا ۷ سانتیمتر است. برگهائی بابهنگام مثلث شکل ولی منقسم به قطعات جدا از یکدیگر دارد بنحوی که هر یک از آنها لااقل ۲ بار تقسیم حاصل کرده، بصورت قطعات بسیار کوچک درآمده‌اند. رنگ برگهای آن سبز روشن و ظاهر آنها صاف و شفاف است. گل‌های کوچک و سفید رنگ آن به صورت گل آذین چتر مرکب مجتمع بوده، در پایه اشعه چتر اصلی آن نیز، به خلاف چترهای فرعی، انولو گردیده نمی‌شود. تعداد شعاعهای چتر اصلی آن نسبتاً کم است.

میوه آن باریک، دراز، به طول یک سانتیمتر، شفاف، تیره رنگ (پس از رسیدن) و پوشیده از تارهای کوتاه، در نژادهای وحشی است.

منشأ اصلی آن، نواحی جنوب شرقی اروپا و آسیای غربی است ولی تدریجاً به مرور زمان

توسعه پیدا کرده، در غالب نواحی مساعد نفوذ یافته است. پرورش آن در نواحی مختلف معمول می باشد.

قسمت مورد استفاده گیاه، کلیه اندامهای آن است ولی بیشتر سرشاخه های گلدار آن مورد استفاده قرار می گیرد.



ش ۱۵۱ - Anthriscus Cerefolium : سرشاخه گلدار
($\frac{1}{4}$ اندازه طبیعی)

ترکیبات شیمیائی - دارای اسانس به مقدار ۹ ر. درصد، یک ماده تلخ و گلوکزیدی محلول در آب جوش به نام پی این ؟ piine است. این گلوکزید در انواع دیگری از گیاهان تیره جعفری نیز وجود دارد.

میوه گیاه، بعلاوه دارای ۱۳ درصد ماده روغنی است. این روغن پس از استخراج، حالت روان دارد و در گرمای ۹ درجه منجمد می شود. رنگ آن، قهوه ای سبز و بوی آن معطر است. طعم ناپسند دارد. وزن مخصوص آن در گرمای ۱۵ درجه معادل ۹۲۶ ر. است. اسیدهای

چرب این روغن عبارت از اسید لینولئیک (۳۰ درصد)، اسید پتروسه لینیک ac. pétrosélinique (۴ درصد)، اسید پالمیتیک (۵ درصد) و اسید اولئیک به مقدار ۵ ر. درصد می باشد (۱).

خواص درمائی - اشتها آور، کمی سدر و نیرو دهنده است. در استعمال خارج نیز اثر التیام دهنده دارد. شیره تازه گیاه، غالباً به عنوان تصفیه کننده خون و دفع آب زیادی انساج در موارد آب آوردن، مورد استفاده قرار می گیرد. مصرف آن در رفع زردی، تقرس و بیماریهای مزمن پوست مؤثر ذکر شده است.

در استعمال خارج اگر گیاه پخته را به محل دردناک و برجستگیهای بواسیر اثر دهند یا در موارد انسداد مجاری ترشح شیر و تجمع آن در پستان، بر روی عضو بگذارند، بطور محسوس اثر معالج ظاهر می کند. ضمناً خارش را تسکین می دهد و در باد سرخ کمک مؤثر می تواند بنماید. سودا و سرمازدگی را نیز رفع می کند.

له شده برگ این گیاه مخلوط با نمک یا سرکه، اگر در محل ضرب خوردگی و کوبیدگی اعضاء و آسبدهای سرد اثر داده شود، باعث رفع التهاب می گردد. بعلاوه با قرار دادن آن بر روی زخم و جراحات، التیام آنها تسریع می شود.

صور داروئی - شیره تازه گیاه به حالت ساده یا مخلوط در شیر به مقدار ۵ تا ۱۰ گرم در روز - دم کرده ۳ تا ۶ گرم برگ در یک لیتر آب به مقدار ۳ فنجان در روز - دم کرده ۴ تا ۸ در هزار میوه.

در استعمال خارج، جوشانده ۳ تا ۶ در هزار گیاه به صورت لوسیون و کمپرس گرم و یا تغلیظ یافته آن به صورت ضماد بکار می رود.

محل رویش - گرگان در ۵۱ کیلومتری جنوب شرقی آزاد شهر در ارتفاعات ۱۲۵۰ متری، ۶ کیلومتری مشرق تنگ گل در ارتفاعات ۸۵۰ متری، زیارت، مازندران: جنوب آمل در ارتفاعات ۶۱۰ متری، زرد سن Zardman (سیاه بیشه) در دره هراز، کوه نزه نزدیک Orim در ۲۲۰ متری، حسن آباد در دره چالوس، گیلان: حاشیه سرداب انزلی و در ۶ کیلومتری مجاور آن، در سفید رود، نزدیک رودبار در ارتفاعات ۳۰۰ متری. آذربایجان: جنوب میانه، قافلان کوه در ۱۱۰۰ متری، کوه های کارنارو Karnaru نزدیک شاهپور (دیلمان)، جنوب شاهپور به سمت دریاچه ارومیه (رضائیه) در ارتفاعات ۱۳۰۰ متری.

Anthriscus sylvestris (L). Hoffm.

Chacropyllum sylvestris L. ، Cerefolium sylvestris Bes.

فرانسه : Cerfeuil de bois ، P. sauvage ، Persil de l'Ane ، Cerfeuil sauvage

انگلیسی : Wilder Kerbel ، Cow Weed ، Wild chervil ، Cow parsley

ایتالیائی : Mirride salvatica ، Cerfoglio salvatico عربی : بقدونس بری

گیاهی علفی، دوساله، پایا و دارای ساقه راست، به ارتفاع کم، با تقسیمات ۲ تائی است. در دشت‌ها، باغهای میوه، حاشیه مزارع، جنگلها و غیره می‌روید. از مشخصات آن این است که اگر در بین انگشتان فشرده شود، به‌خلاف گیاه قبلی، بوی ناپسند متصاعد می‌کند به‌لاوه طعم آن تلخ و میوه‌اش کوچکتر از گیاه قبلی است.

برگهای این گیاه، بریدگیهای مضاعف به‌وضع متمایز از گیاه قبلی دارد ضمناً سطح فوقانی پهنک آن بی‌کرك است.

سرعت تکثیر و انتشار آن به‌حدی است که در مدتی کوتاه، وسعت زیادی را اشغال می‌کند و مانع پیشرفت گیاهان علفی دیگر می‌گردد. هر پایه آن معادل ۸۰۰ دانه در سال بوجود می‌آورد. میوه‌اش کوچکتر از گیاه قبلی و دارای ظاهر شفاف است.

باآنکه این گیاه علوفه خوبی برای چهارپایان بشمار نمی‌آید، به‌علت فراهم آوردن نوش و دانه‌گرده فراوان، در ردیف گیاهان مفید و مولد عسل جای دارد.

قسمت مورد استفاده این گیاه، کلیه اعضای آن است.

خواص درمانی - برای این گیاه سابقاً اثر مخدر قائل بوده‌اند و دلیلش نیز این بود که آنرا به‌علت عدم تشخیص، باشوکران اشتباه می‌نمودند.

دم کرده آن سابقاً برای رفع خنازیر، آگزما و سل بکار می‌رفته‌است. چون شیر گیاه اگر مخلوط با شیر گاو قاصد و بومادران، مصرف شود اثر مد نظر می‌نماید از این جهت، در بیماریهای پوستی و رفع آب آوردن انساج، مورد استفاده قرار می‌گیرد و برای این کار نیز به‌مقدار کم در صبح ناشتا مصرف می‌شود.

در استعمال خارج، له‌شده گیاه تازه بر روی اولسرها، جهت بهبود آنها اثر داده می‌شود. در مصرف این گیاه، همواره به این نکته باید توجه گردد که به‌علت شباهت ظاهری آن باشوکران، اشتبahaً گیاه سمی اخیر مصرف نگردد تا موجبات بسموبیت فراهم شود.

محل رویش - نواحی مختلف شمال ایران، منطقه البرز و شاهزاده کوه در ارتفاعات

۲۸۰۰ متری کلاردشت، سنگ ده، کوه نزوه.

Chaerophyllum bulbosum L.، گیاهی دوساله، دارای ساقه‌ای بلند به ارتفاع در

حدود ۲ متر و برگهای منقسم به قطعات باریک و نوک تیز و پوشیده از تار است. ریشه آن در انواع وحشی، کمی متورم ولی در انواع پرورش یافته، شبیه ریشه هویج و دارای تورم نسبتاً زیاد می‌باشد.

کلیه قسمتهای گیاه، معطر و دارای اسانسی است که قسمت اعظم آنرا، استراگول تشکیل می‌دهد. مغز ریشه آن سفید رنگ، آردی و طعم آن شیرین، مشابه شیرینی شاه بلوط است. به‌مصارف تغذیه می‌رسد.

بررسی‌های Kühn نشان داد که ریشه گیاه، دارای ۰٫۳ درصد مواد ازته، ۰٫۴ درصد مواد چرب و ۲۷٫۸ درصد مواد هیدروکروبنه است. منشاء اصلی آن به بعضی نواحی ایران و سیبری نسبت داده می‌شود.

محل رویش - کرج : رازخان در ۱۸۰۰ متری، پل چابدر ۱۸۰۰ متری (Gaub).

نام عربی آن، سرفل لفتی (Serfel lifti) است.

Hydrocotyle vulgaris L.

فرانسه : Queue d'Hirondelle ، Cotylote ، Ecuelle d'eau ، Hydrocotyle

انگلیسی : Pennygrass ، Marsh pennywort ، Sheep's bane ، White - rot

آلمانی : Scodella d'acqua ، Hydrocotyle ایتالیائی : Nabel necke ، Wassernabel

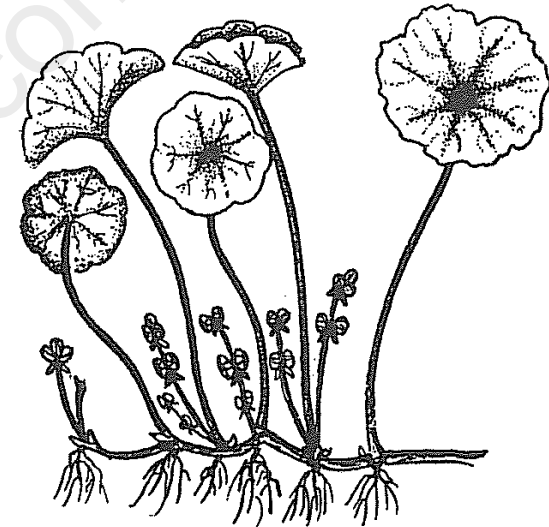
عربی : قسعة الماء ، سرة البحر

گیاهی کوچک، خزنده و دارای برگهایی مدور با کناره دندانه‌دار به پهنای ۱۰ تا ۴ میلی‌متر و واقع بر روی دم‌برگی دراز است. دم‌برگها و دم‌گلها باریک آن جایجا در طول یک ساقه افقی مشترک، بر روی آن متصل بوده، ریشه‌هایی از قسمت تحتانی هریک از دم‌برگها خارج می‌شود.

محل رویش آن در اماکن مرطوب، تورب‌زارها، نواحی سردابی و سطح آبهای راکد و کم‌عمق است. با آنکه ارتفاع گیاه از ۱۰ تا ۲ سانتیمتر تجاوز نمی‌کند معیناً طول ساقه خزنده و مشترکی که برگها و دم‌گلها در فواصل مختلف آن قرار دارند، به درازای ۰٫۵ سانتیمتر می‌رسد. گلهای آن سفید یا صورتی و مجتمع به‌حالت فشرده، با ظاهری کروی است.

میوه آن کوچک، کروی شکل و دارای خطوط برجسته و مشخص است.

پراکندگی این گیاه به صورتی است که در وسعت‌های پهناوری از نواحی مرطوب اروپا، منطقه مدیترانه، آسیا و ایران می‌روید.
قسمتهای مختلف این گیاه به علت دارا بودن مواد سمی، ایجاد سمومیت می‌نمایند آنکه مصرف آن در حیواناتی مانند گوسفند، موجب پیدایش خون در ادرار (Hématurie) آنها می‌شود.



ش ۱۵۲ - Hydrocotyle vulgaris: گیاه کامل گلدار (اندازه طبیعی)

نمایش ریشه‌های نابجا

ترکیبات شیمیائی - در تمام قسمتهای گیاه ماده‌ای به نام ولارین vellarine یافت می‌شود که نخستین بار توسط Christy در سال ۱۸۸۵ از گیاه بدست آمد.
ماده سمی مذکور دارای رنگ مایل به زرد و حالت فرار است و آنرا مشابه سیکوتین که آن نیز ماده‌ای است سمی، می‌دانند.
خواص درمانی - استفاده از این گیاه انحصاراً در طب عوام، به عنوان تصفیه کننده خون بدر، سهول و در استعمال خارج به عنوان التیام دهنده بعمل می‌آید.
مصرف آن باید به مقادیر بسیار کم و در نهایت دقت صورت گیرد زیرا مطالعات جدیدی که مصرف آنرا تا حد درمانی تعیین نماید، هنوز بر روی آن بعمل نیامده است.

محل رویش - نواحی مرطوب و آبهای راكد شمال ایران، مازندران: نوشهر در نواحی مرطوب، ۲۰ کیلومتری مشرق نوشهر، نظام آباد. گیلان: ۶۴ کیلومتری جنوب آستارا، بندرانزلی نزدیک غازیان.

از انواع دیگر این گیاه، ۳ نوع *H. bupleurifolia Rich.، *H. pallida DC. و *H. plantaginea Spr. که هر سه در کاپ‌سی رویند و اثر رفع اسهال دارند و ۲ نوع *H. bonariensis Lmk. و *H. umbellata L. که در برزیل و پاراگوئه می‌رویند و برای درمان جزام و رفع عوارض سیفیلیس به کار می‌روند ذکر می‌شود.
در ایران نمی‌رویند.

Centella asiatica (L.) Urban

Hyarocotyle asiatica Linn.

فرانسه: Hydrocotyle، Hydrocotyle asiatique، Bevilacqua عربی: قصبه‌الماء

گیاهی علفی و دارای برگهای مدوره، به شکل کلیه، کامل، با کناره دنداندار و کاملاً بی کرک است. دسکل کوتاه، فاقد دسگلهای فرعی، واقع بر روی ۳ تا ۶ گل آذین دارد. در آبهای راكد یا جریانهای ملایم آب و یا در کنار استخرهای طبیعی و اماکن مرطوب می‌روید. پراکندگی آن به صورتی است که در آسیا، هند، سیلان، جزایر مالزی، ایران، افریقای جنوبی و غیره می‌روید. ریشه خاکستری رنگ و گوشتدار دارد.

قسمت مورد استفاده این گیاه، کلیه اندامهای آن است.

ترکیبات شیمیائی - اعضای مختلف این گیاه دارای یک ماده سمی، ولارین vellarine، مواد رزینی مختلف و غیره است.

ولارین Vellarine، ماده مؤثر گیاه است. حالت روغنی و رنگ زرد روشن دارد. طعم آن تلخ و تند و بوی آن قوی است.

ولارین در الکل، اتر، غائب اسانس‌ها و روغن‌های مختلف به نسبت‌های متفاوت قابلیت انحلال دارد.

بررسی‌های جدید، وجود یک هتروزید قابل تبلور به نام آزیاتی کوزید asiaticoside را در آن محقق داشته است (E. Bontems در سال ۱۹۴۲).

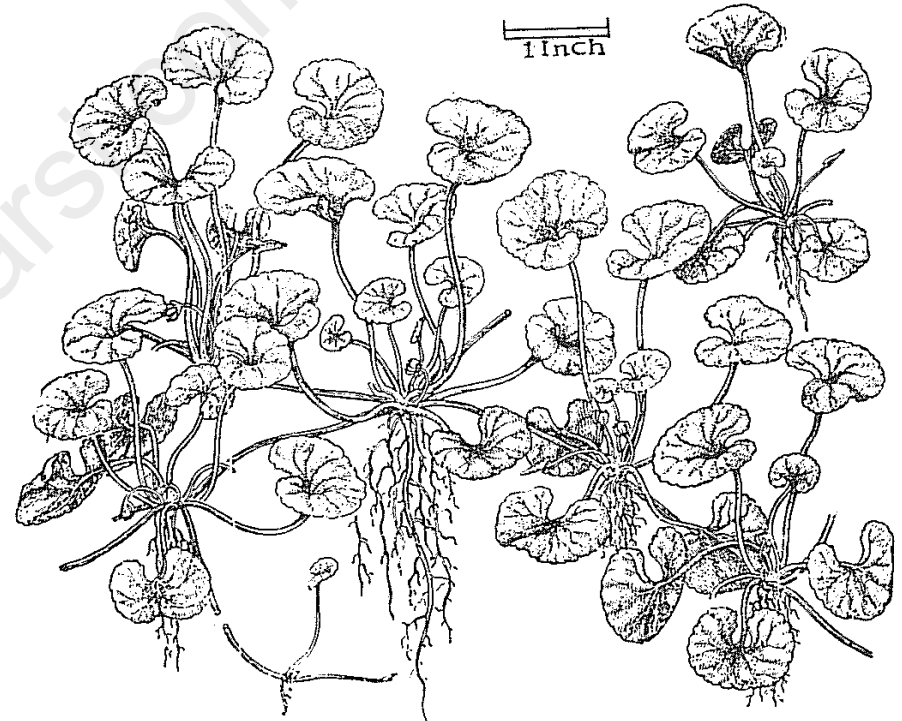
آزیاتی کوزید asiaticoside (ماده کاسول Madecassol)، به فرمول $C_{14}H_{18}O_9$ ، به وزن ملکولی ۹۵۹۱۰ و تری ساکاریدی است که نیمه از آن، به ماده غیر قندی (aglycone)

پیوستگی دارد و از اعضای گیاه مذکور توسط Bontems استخراج شده است (۱).

آزیاتی کوزید، به حالت خالص و به صورت بلورهای ریز و سوزنی شکل در متانول ۴ درصد به دست می آید. در گرمای ۳۰-۳۸ درجه ذوب می شود.

از نظر درمانی، به مصارف معالجه بیماریهای مختلف پوست، سوختگی ها زخمها و اولسرها

جزای می رسد.



ش ۱۵۳ - Centella asiatica : گیاه کامل برگدار و ریشه دار

نمایش ریشه ها بر روی ساقه خزنده

عقیده کلی دانشمندان براینست که با تزریق این ماده در بدن، غشاء موی باسیل جذام از بین می رود و مقاومت بدن بیمار و اثر داروهای مختلف، موجب از بین رفتن باسیل جذام می شود.

1 - Bontems, Gaz. Med. Madagascar, 5, 29 (1942).

خواص درمانی - مقدار کم این گیاه اثر نیرو دهنده بافتهای جلدی دارد بطوری که در بعضی نواحی هند برای درمان جذام، اولسرها، خنازیر و غیره از آن استفاده میشود. در جزایر موریس، سابقاً از کلیه اعضاء این گیاه در بیماری داء الفیل Eléphantiasis استفاده بعمل می آورده اند (Boileau). برگ گیاه اثر مقوی دارد و در تقویت حافظه موثر واقع می شود. مقادیر زیاد آن اثر مخدر دارد.

در نواحی مختلف، متفاوت برای رفع اسراض جلدی مانند آگزماهای مزمن، رماتیسم و همچنین درمان بیماری های دیگر مصرف می شود.

بررسی های جدید نشان داده است که مصرف این گیاه در درمان تشنج کبدی اثرات مفید و قاطع ظاهر می نماید.

صورت دارویی - گرد گیاه به مقدار ۰.۵ تا ۱ گرم در روز - تنطور $\frac{1}{2}$ به مقدار ۰.۵ تا ۳ گرم - عصاره هیدروالکلی به مقدار بسیار کم.

محل رویش - گیلان - لاهیجان، نواحی غربی ایران.

Sanicula europaea L.

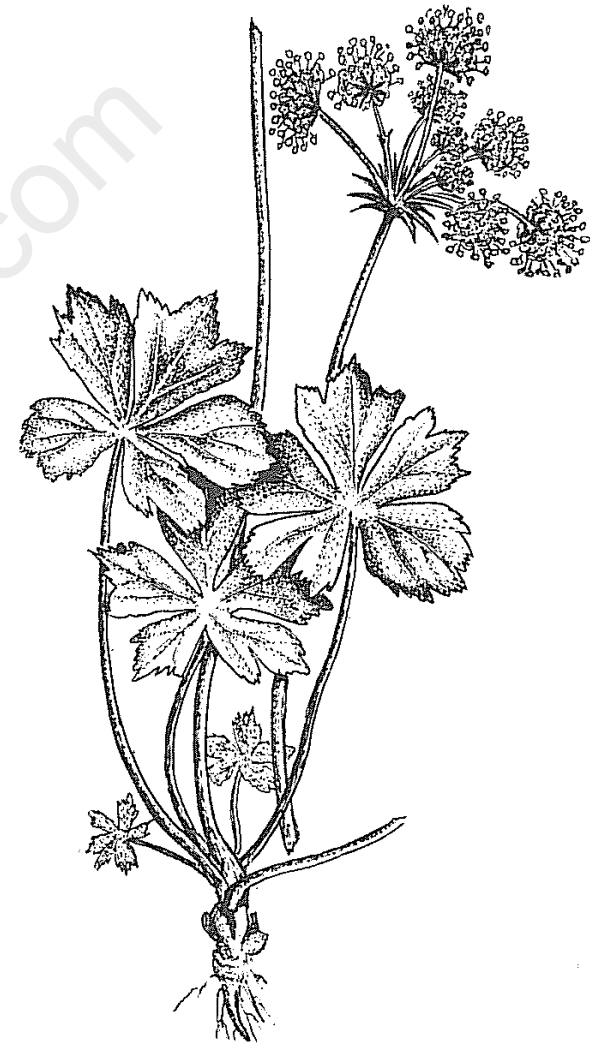
فرانسه : Herbe de St. Laurent, S. mâle, S. commune, Sanicle d'Europe, Sanicle
انگلیسی : Wood march, Common sanicle
ایتالیائی : Diapensia, Erba fragolina, S. maschia, Sanicola
عربی : سینکوله
گیاهی است علفی، کوچک، به ارتفاع ۲ تا ۷ سانتیمتر که اختصاصاً در جنگلهای انبوه و سایه دار، مخصوصاً جنگلهای راش می روید. برگهائی عاری از تار با دمبرگ دراز، شفاف، بسا ظاهر پنجدای، مرکب از ۵ لوب منقسم و دنداندار، به پهنای ۶ تا ۱ سانتیمتر و واقع در سطح زمین دارد. از وسط برگهای آن، ساقه ای باریک خارج می شود که معمولاً در انتها به چند شعاع اصلی ناساوی چتر مرکب ختم می گردد. چترهای فرعی آن غالباً مرکب از ۳-۵ شعاع ناساوی است. در پایه چتر اصلی و چترهای فرعی گل آذین آن، براکته های کوچک و غالباً به تعداد اشعه چتر دیده می شود.

گلهای کوچک، سفید و یا صورتی رنگ آن، در فاصله ماههای اردیبهشت تا تیر ظاهر می گردد. میوه آن کوچک، تقریباً کروی و پوشیده از تارهای سوزنی شکل و ستاردار با ظاهر مشخص است.

برآکنندگی این گیاه به صورتی است که در نواحی معتدله آسیا و اروپا می روید و اگر جنس زمین نیمه سیلیسی و ارتفاع کوهستان نیز کم باشد، توسعه فراوان پیدا می کند.

با آنکه گل‌های آن، نوش تولید می‌کند معهداً مورد توجه و استفاده زنبور عسل قرار

نمی‌گیرد.



ش ۱۵۴ - *Sanicula europaea*: دو قسمت از یک گیاه کامل (اندازه طبیعی)

نمایش پایه‌های ناساوی چتر اصلی

برگ و گل‌های این گیاه بیش از سایر اعضای آن مورد استفاده‌های درمانی قرار می‌گیرد. ترکیبات شیمیائی - قسمت‌های مختلف گیاه دارای اسانس، تانن، یک ماده تلخ، رزین، اصلاح معدنی و یک ساپونین است. ماده اخیر، یعنی ساپونین بیشتر در برگ و ریزوم آن یافت می‌گردد.

خواص درمانی - کلیه قسمت‌های گیاه، مخصوصاً برگ و گل آن اثر قابض ملایم، مقوی - معده، التیام‌دهنده زخمها و کاهش دهنده التهاب و ورم‌های سطحی بدن دارد. در بیماری‌های مختلف مانند دیسانتری، وجود خون در ادرار، خونریزیهای ساده، اخلاط خونی، دردهای رحمی و غیره می‌تواند مصرف شود.

جوشانده آن به صورت غرغره و حمام دهان در رفع درد گلو، ورم‌لته‌ها و مخاط سفت‌دهان اثر مفید دارد. حمام موضعی آن جهت رفع ضرب‌خوردگی اعضاء، کوبیدگی و زخم‌های حاصل از آن، خون‌مردگی، خونریزیها و غیره توصیه گردیده است.

صورت دارویی - دم کرده ۳۰ تا ۶۰ در هزار برگ و گل به مقدار ۳ فنجان در روز بین هر دو غذا - شیر تازه گیاه به مقدار ۵ تا ۱۰ گرم به منظور رفع حالات اسهالی و خونریزیها - گرد گیاه خشک شده به مقدار یک قاشق قهوه‌خوری و ۲ یا ۳ مرتبه در روز به عنوان اشتها آور و مقوی معدم شراب (یک شست از گیاه خشک برای خیس خوردن در یک لیتر شراب) - دم کرده عسل دار حاصل از ۱۰ گرم گیاه در ۲۵۰ سانتیمتر مکعب آب که خاتمتاً به آن قند یا عسل افزوده باشند (به منظور رفع درد گلو، سرماخوردگی و غیره).

در استعمال خارج جوشانده یک قاشق سوپ‌خوری گیاه در یک لیتر آب برای تهیه لوسیون جهت شستشو و ضد عفونی کردن زخم‌ها و جوشانده ۳۰ در هزار گیاه به منظور قراردادن آن به حالت گرم بر روی زخمها، ضرب‌خوردگی و خون‌مردگیها بکار می‌رود. مصارف درمانی آن در طب عوام نسبتاً زیاد است ولی در ایران مورد شناسائی مردم نیست.

محل رویش: بین گرگان و زیارت، بندرگز، مازندران، رامسر، شهسوار، جیرچال در ۲۶۸۰ متری. گلندود، کره‌زنگ *Karehsang* در دره هراز (ارتفاعات ۱۰۰ متری)، بین پل - سفید و قائم شهر (شاهی) در دره تالار، کوه نزوه بین *Orim* و دره تالار، گیلان: سواحل دریای - خزر، بین رضوان ده و اسالم، ۲۵ کیلومتری اردبیل نزدیک آستارا در ۱۳۷۰ متری. جنوب غربی رشت: امامزاده ابراهیم و دامنه‌های کته‌چال (مولف) مغرب ایران: علی بلاغ و نواحی دیگر مانند قزوین.

Bupleurum rotundifolium L.

فرانسه : Oreille de lièvre ، Bupleurum à feuille ronde ، Bupleurum ، Perce - feuille
 انگلیسی : Hohenohrchen ، Runder hasenohr ؛ آلمانی : Hare's ear ، Thorough - Wax
 ایتالیایی : Bupleuro polmane di bue ، Orechio di lepre ، Cinquefoglio ، Perfoliata
 عربی : اذن الارنب ، حبلاب

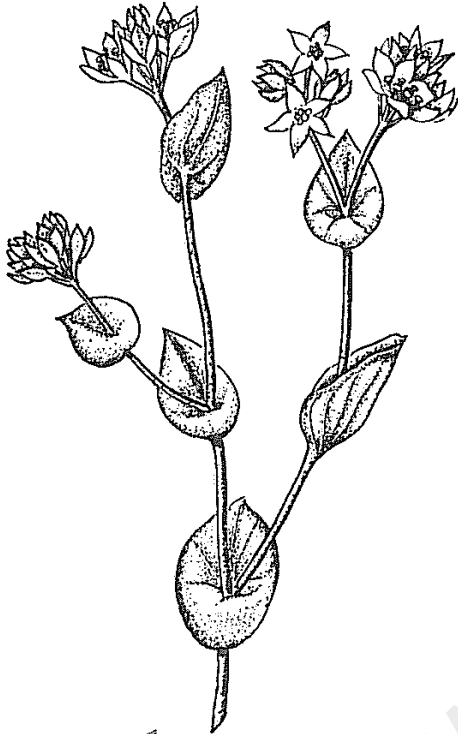
گیاهی علفی ، یکساله ، دارای ریشه باریک و دراز و ساقه‌ای به ارتفاع ۲۰ تا ۵۰ سانتیمتر است. اختصاصاً در مزارع ، کنار جاده ها و اماکن سایه دار می‌روید. برگهای آن ساده ، بیضوی نوک تیز و دارای وضع ساقه آغوش است بطوری که امتداد ساقه ، از وسط پهنک برگ آن عبور می‌کند. گل‌هایی زرد رنگ و مجتمع به صورت چتر مرکب دارد. چتر اصلی آن شامل ۲ تا ۸ شعاع و انولوکری مرکب از براکته‌های کوچک است ولی براکته‌های چترهای فرعی ، بزرگتر و دارای رشد زیادتر از طول گل‌های آن است.

میوه آن کوچک ، کشیده ، صاف و دارای شش سطح مشخص می‌باشد. منشاء اصلی این گیاه در آسیای صغیر بوده ، از آنجا تدریجاً در طی زمان به نواحی دیگر از راه حمل دانه غلات ، انتقال یافته است.

قسمت مورد استفاده این گیاه ، برگ و میوه آن است که فاقد بوی و طعم گس می‌باشند. **خواص درمانی** - برگ و میوه گیاه ، اثر قابض و دفاع جراحات دارند و از این نظر پرورش آن در بهمنظورهای درمانی ، مدت‌ها در اروپای مرکزی معمول بوده است. دم کرده ۳ تا ۵ در هزار برگ و یا شاخه‌های برگ‌دار آن ، به عنوان تب‌بر نیز مصرف داشته است.

ضماد حاصل از پختن گیاه در سرکه ، سابقاً برای رفع درد مفاصل ، فتق و غیره بکار می‌رفته است و برای این کار ، ضماد مذکور را به همان حالت نیمگرم بروی محل دردناک قرار می‌داده‌اند. **محل رویش** : گرگان : آلمه در ۱۷۰۰ متری ، مشرق گنبد کاووس ، سازندران : هزارجریب ، ۸۴ کیلومتری قائم‌شهر در ۱۲۰۰ متری. گیلان : ایسپیلی ، مغرب ایران : آذربایجان : جنگل بین Balanesh و اشونیه در ۱۶۵۰ تا ۱۹۰۰ متری ، تبریز ، ۱۵ کیلومتری مشرق خلخال در ۲۰۵۰ متری ، کوه قره داغ ، بین اهر و کالبار در ۱۶۰۰ متری ، خمسه ۲۷ کیلومتری شمال غربی زنجان به سمت میانه در ۱۵۰۰ متری ، زنجان در ۱۲۰۰ متری. همدان : کوه لوند در ۲۳۰۰ متری. خراسان : جوزک در ۷ کیلومتری جنوب بیجنورد بسمت گرگان ، نزدیکی مغان و شمال کوه بینالود در ۱۹۰۰ تا ۲۳۰۰ متری. مرکز ایران ، تهران : پای کوه دماوند ، لار در نزدیک افجه ، بین رودهن و Delichay در ۱۸۰۰ متری ، سمنان.

B. fruticosum L. ، گیاهی با اعضای چوبی ، به ارتفاع ۱ تا ۲ متر و دارای ظاهر زیبا و شاخه‌هایی به وضع قائم و انبوه است. در منطقه مدیترانه می‌روید و علاوه پرورش می‌یابد. برگهای فشرده بهم و همیشه سبز دارد. پهنک برگهای آن بیضوی دراز ، برنگ سبز زیبا در سطح فوقانی ولی سبز مایل به آبی در سطح تحتانی است. از تمام قسمت‌های گیاه ، اگر در بین انگشتان فشرده شوند بوی قوی استشمام می‌گردد.



ش ۱۰۵۰ - *B. rotundifolium* سرشاخه گلدار (اندازه طبیعی)

ریشه و میوه آن اثر درمانی دارند و از آنها بعنوان خلط‌آور ، مدر ، ضد آسم ، قاعده‌آور ، درمان سرفه‌های دیر علاج ، عدم دفع ادرار و غیره استفاده می‌شود. میوه‌اش سابقاً در درمان‌های وگزش حیوانات سمی مصرف داشته است. اسانس حاصله از آن ، جهت درمان رماتیسم مصرف دارد (Reutter L.).

B. octoradiatum Bunge ، گیاهی است علفی که در سنجوری می‌روید و از ریشه‌اش جهت درمان تقریباً استفاده به عمل می‌آید. در ایران نمی‌رویند.

Bupleurum falcatum L.

فرانسه : Oreille de lièvre ، Percefeuille ، Buplèvre en faux ،
انگلیسی : Sickle Hare's Ear ، آلمانی : Sichelhasenohr ، ایتالیایی :
Orechia-di-lèpre ، گیاهی است چندساله و دارای ساقه راست به ارتفاع ۰.۲-۰.۸ سانتیمتر که در جنگلیها،
گودالها، بر روی تپه ها و اماکن کم ارتفاع غالب مناطق اروپا، نواحی مرکزی آسیا، ایران و ژاپن
می روید. برگهای باریک و دراز، به طول ۰.۱-۱ سانتیمتر (حتی بیشتر) و به عرض ۰.۶-۰.۸ میلیمتر
دارد. گلهای زرد آن در اوایل تابستان ظاهر می گردد و بعضی از پایه های آن نیز در پائین به گل
می نشیند. پایه های چتر آن به تعداد ۵-۱۰ و دارای طول تقریباً نابرابر است. سیوه آن ، ظاهر
نسبتاً متفاوت ، ولی بطور کلی شکل بیضوی دارد و بر روی آن خطوط برجسته مشخص دیده
می شود.

خواص درمانی - برگ و دانه گیاه، فاقد بو و دارای طعم گس است. مصرف آنها به عنوان
قابض و التیام دهنده زخم و جراحات توصیه گردیده است. در بعضی نواحی پس از پختن اعضای
گیاه در سرکه، آنرا بر روی محل دردناک مفاصل یا بر روی غده ها، فتق و غیره اثر می دهند. برای
اعضای گیاه اثر تب بر قائل اند و برای این کار نیز جوشانده ۳ تا ۵ در هزار آنرا به مقدار دو
فنجان در روز مصرف می کنند.

محل رویش - نواحی شمالی ایران، گیلان، عمارلو، ایسپیلی بیلاق، کوه درفک و پل -
زنگوله در ارتفاعات ۲۳۰۰ متری (فلور ایران).

Prangos pabularia Lindl. بادیان کوهی، کرفس کوهی (Ind. Med. Pl. 1214).

گیاهی علفی بزرگ و دارای ساقه بلند به ارتفاع ۰.۲ تا ۱ متر است. برگهایی به طول
۰.۳-۰.۴ متر، منقسم به تقسیمات باریک و فراوان دارد. گلهای زرد رنگ آن بر روی پایه ها
چتر گل آذین بزرگ به قطر ۰.۱-۰.۴ سانتیمتر ظاهر می شود. سیوه آن دارای بالهای باریک و مسطح
و محتوی دانه هایی به قطر ۰.۲-۰.۳ میلیمتر است. در نواحی مختلف هند، افغانستان و ایران
ایران پراکندگی دارد.

ترکیبات شیمیائی - در اعضای این گیاه ماده ای به نام **اوستول** Osthole یافت می شود.
این ماده به فرمول $C_{10}H_{14}O_3$ و به وزن سلکولی ۲۰۸٫۲۴ است. **اوستول**، توسط Pigulevskii و
Kuznetsova از گیاه مذکور استخراج (1948) و توسط Späth و Holzen سنتز شده است.
اوستول به صورت بلورهای منشوری شکل در اثر به دست می آید. در آب غیر محلول
ولی در الکل، کلروفرم، استن و قلیائیات حل می شود.



Prangos pabularia - ش ۱۵۶

E و D شاخه برگدار و سیوه دار (۱/۴) - Fl. W. Pakistan